



پروسترویکا و گلاسنوست

یا انقلاب ۱۹۱۷

آذر مدرسی

۲۷۲

هفتگی

حکمت

۲ سپتامبر ۲۰۱۹ - ۱۱ شهریور ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

یا ما یا دولت!

از هفت تپه و فولاد به هپکو

ثریا شهبازی

اعتصاب ها، اجتماعات، تظاهرات و راه پیمایی های چند روزه کارگران هپکو، یکی از بزرگترین صنایع سنگین در خاورمیانه، که هنوز ادامه دارد، حلقه دیگری از سیر در جریان تحركات طبقه کارگر صنعتی ایران، که از هفت تپه و فولاد آغاز شد، را شکل میدهد.

این سلسله از اعتصاب ها و اعتراض ها و تجمعات برای حقوق های معوقه در هپکو، در اعتراض به بیکار سازی ها، رکود، خصوصی سازی و فساد و اختلاس در خرید و فروش این واحد بزرگ صنعتی، که از چند سال پیش در جریان بود، امروز می رود که به هفت تپه و فولاد بپیوندد.

آنطور که میثم آل مهدی، کارگر فولاد اهواز و از رهبران اعتصابات مجتمع فولاد در پیام اش به هم طبقه ای هایش در هپکو، ضمن اشاره به مخاطرات تقسیم کارگران به بخش های مختلف و ممانعت از اتحاد کارگران میگوید: فولاد در چهار سال گذشته از هپکو درس های زیادی آموخت و امروز نوبت هپکو است که از تجربه فولاد بیاموزد!

تا "با تشکیل (شورا) های مستقل درون کارخانه ها و ایجاد مجمع عمومی برای همفکری و تصمیم گیری جمعی، قدرت و آگاهی خود را در مدیریت شورایی به نمایش بگذاریم. تا همیشه نه فقط به عنوان انسان های معترض در کف خیابان بلکه به عنوان یک قدرت بزرگ متحد و یک صدا در برابر آنها بایستیم و قطعا در این راه اشکال نوینی از اعتراض را رقم خواهیم زد!" و "باید متحد و قوی به فکر آینده و مدیریت آن باشیم" (از پیام میثم آل مهدی ۲۹ اوت ۲۰۱۹)

این تحرک، در ادامه اعتصابات هفت تپه و فولاد، در همان سیر، بر سر همان مطالبات، دسته و پنجه نرم کردن بر سر همان معضلات، و با همان شیوه ها و روش ها، در کنترل، تحت هدایت و سازماندهی طیفی از جنس همان رهبران کارگری است.

معضل از حقوق پرداخت نشده و مالکیت واحد تولید و اختلاس و فساد در سیر دست بدست شدن این واحدهای صنعتی، رکود، خوابیدن یکی پس از دیگری بزرگترین صنایع سنگین در ایران، به معضل خصلت تولید و قدرت و توانایی دو قطب، صاحب سرمایه و دولت اش، یا طبقه کارگر و دولت اش، شیفت کرده است.

صفحه ۴

میگویند "مردم تفاوتی میان اصولگرا و اصلاح طلب نمیبیند"، "اصلاح طلبان هم همان نقش منفی اصولگرایان را دارند" و....

فائزه هاشمی بعنوان "رادیکال ترینشان" با "امتیازدهی" به جمهوری اسلامی و قیاس ناموزون آن با اتحاد جماهیر شوروی، اعلام میکند که جمهوری اسلامی مانند شوروی در آستانه فروپاشی است! و این نقطه اشتراک در بخشی از واقعیت، یعنی "فروپاشی نظام" و در واقع سرنگونی آن، او را به الگوبرداری از تجربه شوروی می کشاند! هاشمی با علم به اینکه کلیت نظام زیر فشار سیاسی-اجتماعی پائین تجزیه و متشتت شده است، با آرزوی پروسترویکا و گلاسنوست اسلامی، به دنبال ظهور گورباچف شجاع و "با عضله" در صف اصلاح طلبان میگردد، تا وظیفه نجات جمهوری

برای کشیدن مردم به پای صندوق انتخابات، "احیا مشروعیت خود"، "جلب مجدد اعتماد مردم"، "رفع ناامیدی از اصلاحات" و بالاخره شرکت در پروژه مشترک همه جناح ها یعنی "فرار از خطر سرنگونی" اند.

موقعیت اصلاح طلبان همیشه محکی برای دیدن موقعیت جمهوری اسلامی است. بحران اصلاح طلبان، استیصال، بن بست و آینده تاریک شان، نماد بحران، استیصال، بن بست و آینده تاریک جمهوری اسلامی است. امروز پرچم شکست اصلاح طلبان نه در دست شریعتمداری و رقبای "انحصار طلب" و "بی نزاکت" در کمپ اصولگرایان و .. که در دست تئوریسینها و متفکرین و شخصتهای اصلی اصلاح طلبان است. سرافکنده و مغبون اقرار میکنند که دیگر سیاست "انتخاب بین بد و بدتر" هم شانسی ندارد. تئوریسین های شان همیشه در فکر پیدا کردن راههایی

صفحه ۲

گزارشی از تظاهرات ضد جنگ در شهر اشتونگارت - آلمان



دیپلماسی مخفی محکوم است!

مظفر محمدی

وجه مشخصه ی این دو ائتلاف یکی هدف مشترک سیاست مسالمت آمیز با جمهوری اسلامی و دومی دیپلماسی مخفی است.

معینی رئیس مشترک پژاک و ابراهیم علیزاده دبیر کل کومله با هم ملاقات کرده اند...."

در گزارش خبرگزاری فرات به تاریخ چهارم اوت ۲۰۱۹ (۲۰ مرداد ۹۸) آمده است:

ما پیش تر از ایجاد دو جبهه ناسیونالیستی کرد در کردستان ایران یکی "مرکز همکاری احزاب کردستانی" با شرکت دو حزب دمکرات و دو جریان زحمتکشان وابسته به دولتهای ترکیه و جناح بارزانی در دولت اقلیم از طرفی و جبهه پژاک و کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در جبهه جمهوری اسلامی و جناح طالبانی دولت اقلیم و اهداف و مخاطرات هر کدام از این جبهه بندی ها به تفصیل برای مردم کردستان حرف زدیم.

"نیروهای سیاسی روزگلات کردستان، (بخوان کردستان ایران) در تلاشند با فعالیت و گامهای مشترک به روند اتحاد ملی در این بخش میهن سرعت بخشند.

همچنین در این خبر آمده است که:

"حزب حیات آزاد کردستان- پژاک و کومله- سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران سلسله دیدارهایی را با هدف فعالیت مشترک انجام داده اند. اعلام شد که این دو حزب در سطوح عالی بتازگی گرد هم آمده اند، در این دیدار سیامند

صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

گزارشی از تظاهرات ضد جنگ در شهر اشتوتگارت

روز شنبه ۳۱ آگوست تظاهرات ضد جنگ در اشتوتگارت- آلمان برگزار شد. این روز به مناسبت هشتادمین سال حمله ارتش نازی آلمان به لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم و مرگ بیش از ۵۵ میلیون انسان شد، که هرساله از سوی احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف آلمان به یک روز علیه جنگ تبدیل شده است.

در این روز مثل هرسال احزاب و جریان‌های سیاسی از جمله: AGIF فدراسیون کارگران مهاجر، ATIK کنفدراسیون کارگران ترکیه، ADHK فدراسیون حقوق دموکراتیک، MLPD حزب مارکسیست-لنینیست، Courage زنان سوسیالیست و Umweltgewerkschaft اتحادیه کارگران محیط زیست و همچنین حزب حکمتیست (خط رسمی) در این مراسم شرکت کردند.

بیانیه‌هایی از طرف جریان‌ها و احزاب مختلف در این زمینه خوانده شد. مهران

پروسترویکا و گلاسنوست اسلامی را به عهده بگیرد. فائزه هاشمی، دو دهه است که از سیر تحولات در پایین، عقب است.

۱۹ سال پیش، زمانی که جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی زمین را زیر پای سران نظام به لرزه در آورده بود، رهبر اصلاح طلبان تلاش کرد با ادعای گورباچف و وعده توسعه سیاسی و اقتصادی راه نجاتی در مقابل رژیم قرار دهد و خامنه‌ای اعلام کرد "این سید اهل گلاسنوست نیست"، منصور حکمت گفت:

"خاتمی و جبهه دوم خرداد یک تلاش کاملاً اسلامی و "خودی" برای نجات رژیم اسلامی، و از جمله خود جناب خامنه‌ای، از ضربات موجی هستند که برای در هم کوبیدن حکومت اسلامی براه افتاده. خاتمی و دوم خرداد در این روند کاره‌ای نیستند. اهرمی برای کنترل اوضاع در دست ندارند. مشکل این حکومت مردم اند، مردمی که رژیم اسلامی را نمیخواهند و فهمیده اند که میتوانند از آن خلاص شوند. مشکل این حکومت اقتصاد است، اقتصادی که از تامین نیازهای اولیه انسانها عاجز است و بر فقر دائم میلیونها انسان بنا شده. مشکل، نظام سیاسی است، نظامی که انسان قرن بیست و یکم را برده و مجرم و صغیر و بی

امروز پس از دیمه و هفت تپه و فولاد، پس از اعلام رسمی پایان عمر اصلاح طلبان و امید به توسعه اقتصادی و سیاسی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، دوره به میدان آمدن جنبش برای سرنگونی و اتوریته و هژمونی رادیکالیسم کارگری، باید بار دیگر توجه فائزه هاشمی و اصلاح طلبان رادیکال را به انقلاب ۱۹۱۷ جلب کرد!

حق تعریف میکند و تحقیر میکند و میکوبد. ایدئولوژی است، مذهب است، دستگاه فکری فاسد و جنایتکارانه ای که بشر را گناهکار میسمارد و سعادت را ممنوع اعلام میکند. ایدئولوژی ای که علنا به جنگ زن میروند. مشکل این نظام، خود این نظام است. نظامی که جلوی تلاش انسانها برای رفاه و برابری و آزادی و سعادت فردی و جمعی شان را سد میکند. مردم حکم به رفتن این نظام دادند. و خاتمی ها برای نجات نظام پا بمیدان گذاشتند. اکنون معلوم شده است که دوم خرداد راه نجاتی برای حکومت اسلامی نیست. مردم دیگر در خیابانند. اگر خامنه‌ای دنبال قیاس تاریخی در روسیه میگردد، توجه اش را به سال ۱۹۱۷ جلب میکنم."



المللی برای تصرف بازارهای جهانی، ایجاد درگیرهایی جنگ و مسابقه در فروش تسلیحات جنگی، خصوصا انتقادهای شدیدی به نقش کلیدی دولت آلمان در فروش تسلیحات جنگی در منطقه و ۱۴ کشور دنیا گسترش یافته شده است، مورد اعتراض سخنرانان و شرکت کنندگان قرار گرفت.

علاوه بر این به نقش برجسته ی ترامپ بعنوان یکی از بزرگترین تروریست های دنیا و ارتش آمریکا که باعث جنگ های خانمان سوز شده است و همچنین آمریکا،

چنین، روسیه و ناتو اشاره شد. از دیگر مسائلی که می توان به آن در این تظاهرات اشاره کرد. تاثیرات خطر جنگ علاوه بر کشتار میلیون ها انسان های بی گناه، باعث نابودی محیط زیست شود.

۱ سپتامبر ۲۰۱۹

حزب حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش (های) زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام بوده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تمقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران

منشور رفاه، آزادی و امنیت را به رحم خود تبدیل کنید

دیپلماسی مخفی

این احزاب برای پذیرش از جانب رژیم،

شعبده بازی، دروغ و ریاکاریها قابل توجیه نیست.

دوما، احزاب مرکز همکاری بیش از یک سال است مخفیانه با نمایندگان جمهوری اسلامی مذاکره کرده اند بدون اینکه کسی از محتوای این مذاکرات مطلع شود. کومله عزیزان هم از آغاز در جریان این مذاکره بوده و به دلایلی که هنوز روشن نیست از ادامه ی مذاکره بهمراه مرکز همکاری، محروم مانده است.

بعلاوه، دو جریان پژاک و کومله عزیزان هم بنا به گزارش فوق مشغول مذاکراتی هستند. تا کنون کومله در مورد این اتفاق و اتحاد با پژاک سکوت کرده و آن را مخفی نگه داشته است.

پلاتفرم و سیاست هر دو جبهه ناسیونالیستی کرد یکی است. هم احزاب مرکز همکاری و هم اتحاد پژاک - کومله خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند. هر دو جناح کمر همت به نجات جمهوری اسلامی از بحران های مرگبار اقتصادی، سیاسی و ورشکستگی ایدئولوژیک آن بسته اند.

مرکز همکاری احزاب کردستانی مدت ها است مشغول مذاکرات مخفی با عناصر جمهوری اسلامی در کردستان عراق و نهادی وابسته به پلیس مخفی نروژ و سازمان سیا ی امریکا، هستند.

پژاک - کودار هم در پلاتفرم چند سال قبل رسماً همکاری و توافق با جمهوری اسلامی را اعلام کرده است.

در این پلاتفرم آمده است: "پژاک بعنوان پیشاهنگ تحقق عملی سیاست دموکراتیک در سیستم کودار، در راستای آزادی ملت های ایران و شرق کوردستان آمادگی کامل جهت هرگونه چاره یابی دموکراتیک را دارد. کودار و پژاک خواستار گشایش سیاسی از سوی دولت ایران و آماده برای حل مسالمت آمیز مسئله کورد و ملت های ایران در چارچوب پروژه ملت دموکراتیک و خودمردم پیتی دموکراتیک خود هستند."

بخش آگاه کارگران و مردم کردستان به این واقعیت آگاهند که در سنت ناسیونالیسم کرد جنگ هم در خدمت مذاکره و برای پذیرفته شدن توسط دولت های حاکم است. همچنین ما به ظرفیت ضد کمونیستی، ضد کارگری و ضد زن احزاب ناسیونالیست کرد با هر نامی (احزاب دمکرات، پژاک و غیره)، و مخاطرات کنونی و آتی که بوجود آورده و می آورند واقفیم. با وجود این، هنوز ماندن آن ها بعنوان اپوزیسیون سرنگونی طلب، برای مردم کردستان مطلوب بود. ولی نه سلاح نقد سیاسی ما و نه انرجار و نفرت مردم آزادیخواه و ستم دیده ی کردستان، نتوانست مانع افسار گسیختگی و شیفتگی، از سر بن بست و استیصال،

مبارزه ما برای برابری و

رفع تبعیض در متن

جوامع سرمایه داری

موجود جزء لاینفک

مبارزه وسیع تر و

اساسی ما برای شکل

دادن به انقلاب

اجتماعی و برقراری

جامعه برابر و آزاد

کمونیستی است. مزب

کمونیست کارگری -

مکتملیست (فط رسمی)

به صف مقدم هر مبارزه

اجتماعی علیه تبعیض

و نابرابری در جهان امروز

تعلق دارد و معتقد

است که برابری حقوقی

همه و شمول یکسان

قوانین واحد بر همه،

مستقل از جنسیت،

ملیت، مذهب، نژاد،

عقیده، مراسم، شغل،

مقام و تابعیت و غیره

باید بعنوان یک اصل

تلفی ناپذیر و مموری

در صدر قوانین جامعه

اعلام شود.

دوم- دیپلماسی مخفی است. تشکیل دو جبهه ی احزاب ناسیونالیست، یکی مرکز همکاری احزاب کردستانی و دیگری کومله - پژاک رسمی و علنی است، اما مذاکرات و توافقاتشان را مخفی می کنند. خبر مذاکره احزاب مرکز همکاری که کومله عزیزان هم از آن مطلع بوده است، بعد از یک سال و نیم افشا شد. نشست ها و ائتلاف و همکاری کومله و پژاک بعد از مدت ها از خبرگزاری فرات پخش می شود. کومله با حزب شیوعی کردستان عراق با ژست چپ، عکس می گیرد و خبر نشست شان را منتشر می کند اما نشست ها و توافقات خود با پژاک را مخفی می کند!

سکوت کومله عزیزان و دیپلماسی مخفی اش حتی برای هم حزبی هایشان معنایی جز بی اعتباری و ترس از علنی شدن محتوای مذاکرات و دیپلماسی شان نیست؟ از زاویه منفعت مردم کردستان، دیپلماسی مخفی مذموم و محکوم است و باید متوقف شود. مردم حق دارند بپرسند و بدانند که پشت پرده دیپلماسی مخفی احزاب ناسیونالیست چپ و راست چه می گذرد. دیپلماسی مخفی معنایی جز این ندارد که این احزاب بر سر منفعت مردم کردستان مشغول معامله و بند و بست و نقشه های شوم هستند.

نهایتاً کومله عزیزان باید به مردم کردستان جواب دهد که ادعای شرم آور پژاک مبنی بر این که: "همکاری و گسترش روابط دو حزب پژاک و کومله با کردستان مواجه شده است." از کجاست سرچشمه گرفته است؟ این ادعای دروغین و وقیحانه که مردم کردستان از معاملات و بند و بست ها و دیپلماسی مخفی و بازی با سرنوشت خود از جانب هر دو جبهه ی ارتجاعی ناسیونالیسم کرد استقبال می کنند، توهین به شعور مردم و دو دهه مبارزه و جنبش آزادیخواهانه در کردستان است.

ما به مخاطرات سیاستها و عملکردهای هر دو جبهه ناسیونالیسم کرد واقفیم و وظیفه خود دانسته و می دانیم مردم کردستان را نسبت به این تحولات ضد مردمی آگاه کنیم. ما مستوول، موظف و مصممیم اتحاد صفوف کمونیست ها، کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان را در مقابل ناسیونالیسم کرد و توطئه ها و نقشه های شوم شان علیه جنبش آزادیخواهی مردم کردستان و تضعیف همبستگی جنبش سراسری، تأمین و تضمین کنیم!

تحولات درون ناسیونالیسم کرد در شرایطی است که طبقه کارگر و محرومان جامعه ایران چهار دهه توحش سهمناک جمهوری اسلامی، تحمیل فقر و فلاکت، سرکوب و تهدید و تجاوز و اعدام و تبعیض جنسی و تحقیر سیستماتیک زنان را نمی بخشند و با این رژیم هیچ سر سازشی ندارند. در دل هر اعتراض و مبارزه ای برای آزادی و امنیت و رفاه، خواست سرنگونی جمهوری اسلامی آشکار و پنهان موج می زند. خیزش دیمه جنبشی با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی بود.

در دل این تحولات برای ما و مردم آزادیخواه کردستان دو مساله غیر قابل قبول و توجیه است:

یکم - کومله عزیزان سالها است به نام چپ و کمونیسم وارد بازی در زمین ناسیونالیسم کرد شده است. این جریان با پیچیدن نسخه ارتجاعی به نام کمونیسم و کارگر و به نام چپ و تاریخ کومله مشغول تحریف و دروغ پراکنی است. عزیزان حتی به "اتحاد چپی" که خود بنیانگذارش بود وفادار نماند و راه خروج کومله را از استیصال و بن بست سیاسی، در پیدا کردن جایابی در جبهه ناسیونالیسم جستجو کرده است.

عزیزان در اتحاد با جریانی از ناسیونالیسم کرد قرار گرفته است که علاوه بر این که متحد جمهوری اسلامی است، از ضدیت با کمونیسم و کارگر و زن ابایی ندارد. پژاک فرهنگ اسلامی ضد زن را یکی از ارزشهای خود می داند. در پلاتفرم پژاک - کودار آمده است: "اسلام فرهنگی در تقابل با اسلام دولت - ملت، در جامعه ایران همیشه دارای ارزش های خاص خود بوده و در بستر جامعه، این ارزش ها با ارزش های جامعه محور کودار که دموکراسی محلی و آزادیخواهی را مبنا قرار می دهد، یکی می گردد." (خط تاکید از من است)

کومله مدت هاست از دایره چپ و کمونیست خارج شده است. سکوت بقایای چپ در کومله و حزب کمونیست ایران که گاهی غیر مستقیم و خجولانه حرفی زده هم، نشان داد که امید به وجود شائبه چپ و کمونیسم در این جریان توهمی بیش نیست.

کومله ی عزیزان باید به کمونیست ها و کارگران و جنبش آزادیخواهی مردم کردستان جواب دهد که، ایستادن در جبهه ناسیونالیسم در لباس چپ و کمونیسم به چه معنی است؟ چه فرقی بین کودار و احزاب دمکرات هست؟ آیا عزیزان می تواند پژاک را به نام چپ و آزادیخواه به مردم کردستان بفروشد؟ این

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

یا ما یا دولت!

این خصلت این دور از سلسله تحرکات طبقه کارگر صنعتی است که از هفت تپه و فولاد امروز به هیکو رسیده است و فردا در مناطق و واحد های صنعتی دیگر سر بلند میکند.

یا ما یا دولت، بی واسطه و میانجی و هر نوع "چند جانبه" نگری! یا ما یا دولت، باید برای فاجعه در جریان پاسخ خود را بدهد! یا طبقه کارگر یا طبقه حاکم، که چهل سال است در جنگ یا صلح، در مذاکره یا معامله، در تحریم و غیرتحریم، با همه جناح ها و دسته بندی هایش، از شیریه جان طبقه کارگر هرروز گردن کلفت تر و فربه تر و دزد تر و اختلاس گر تر و استثمارگر تر شده است!

این محور این سلسله از تعرض طبقه کارگر صنعتی ایران است که به نمایندگی از جامعه، برای گرفتن حق اش به قدرت خودش، به میدان آمده است و گریبان یکی از وحشی ترین حکومت های معاصر را گرفته و محکم در حال فشار دادن آن است. "باید متحد و قوی به فکر آینده و مدیریت آن باشیم."

دستگیری رهبران اعتراضات کارگری، فعالین و حامیان این بخش از طبقه کارگر که با این مشخصات به وسط صحنه تقابل های سیاسی در جامعه قدم گذاشته است، خشن ترین رفتارها و صدور احکام شلاق و حبس های طولانی و وثیقه های نجومی و انفرادی و خراطی پرونده های امنیتی و .. و بالاخره اعتراف یکی بعد از دیگری مقامات قضایی از رئیسی ها و روحانی ها تا این و آن نماینده مجلس و شخصت های نظام، در تقابل با این جنبش، خود با صدای رسا اعلام میکند که در ایران جدال بر سر چیست و چه کسانی در دو سو و دو قطب این جدال سرنوشت ساز هستند.

این پدیده نوینی در تاریخ تقابل طبقاتی در ایران است. پشت خواست حقوق معوقه، خصوصی سازی یا باز گرداندن واحد های خصوصی شده، به فروش رفته و در واقع به حراج گذشته شده در لایبرنت پیچ در پیچ دزدی و اختلاس و فساد و پول شویی های افسار گسیخته انگل ترین رگه سرمایه داران در ایران. جدال سرنوشت ساز بین دو طبقه، با دو پاسخ ماکرو، یا ادامه منجلا ب کاپیتالیستی موجود و یا سوسیالیسم، خوابیده است.

طبقه کارگر در این سیر، واسطه های سنتی کارفرما و نماینده کارفرما و مقاطعه کار و شورای اسلامی و خانه کارگر و .. را دور میزند. مستقیماً گریبان دولت، بعنوان نماینده طبقه حاکم، مسئول و پاسخگو فاجعه ای که بر سر جامعه خراب کرده اند، را میگیرد! یا دولت، یا طبقه کارگر! یا مسئولین دولتی در شهرداری ها و استانداری ها و وزارتخانه ها و یا قدرت متشکل طبقه کارگر در شوراهای مستقل خودش، با مدیریت شورایی! یا اقتصاد کاپیتالیستی یا اقتصاد سوسیالیستی! یا تولید برای سود، به همان روالی که چهل سال گذشته در جریان بوده و امروز پس از تولید طیف وسیعی انگل گردن کلفت مالتی میلیاردر، به بن بست رسیده است، یا تولید برای رفح نیازها و رفاه همگانی!

دولت راه حل و راه برون رفتی ندارد. دست بدست شدن واحد صنعتی از برادرزاده ها در بخش خصوصی به خود دولت، زندان و دستگیری و اخراج رهبر اعتراضات و حامیان و متحدین آنها، پرونده سازی های امنیتی و .. هم نمی تواند این معضل را برای او، نه حل که حتی ذره ای تخفیف دهد! بن بست، بحران و فروپاشی اقتصاد کاپیتالیستی در ایران، که امروز سرتاپای نظام را فرا گرفته است، گورکن اش را به میدان آورده است! وعده های مذاکرات آقای ظریف و کشمکش با آمریکا و اروپا و دیپلماسی و امید به تخاصمات قدرت های بزرگ و تنها شانس برای خریدن وقت و باز نگاه داشتن دریچه اختناق ای است، که به زور هم قادر به بسته نگاه داشتن آن نیستند!

اقتصاد ایران، راه حل سرمایه دارانه حتی برای راه اندازی تولید و بکار انداختن صنایع ندارد! کار بی جیره موجب و نپرداختن دستمزد ها هم قادر به نجات قایق به گل نشسته این اقتصاد در حال فروپاشی نیست! این یک روی واقعیت است. روی دیگر قطبی است که هرچند دستمزد کار انجام شده اش را میخواهد و برای معیشت به میدان آمده است، هرچند فقر و گرانی افسار گسیخته ای بر سرش خراب شده است، اما آستین ها را بالا زده و به میدان آمده است تا با کنار زدن همه واسطه ها، مستقیماً پاسخ خود را به معضلات سرمایه بدهد که جامعه را به پرتگاه نابودی کشانده است.

پاسخ اقتصاد ایران، پاسخ طبقه کارگر است! اقتصاد سوسیالیستی، تولید نه برای سود که برای رفح نیاز ها، است. قدرت و دولت و نیرویی که آن را متحقق کند، شوراهای کارگری و شوراهای مردمی در محل های کار و زندگی است. شوراهایی که با کسب قدرت سیاسی میتوانند با سلب مالکیت از انگل های مفت خور استثمارگر، چرخه تولید را برای رفاه همگان، برای رفح نیازهای طبقه کارگر و همه شهروندان، به حرکت درآورد. شما نمی توانید ما می توانیم، جواب طبقه کارگر صنعتی ایران است که به میدان آمده است.

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب
facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا
radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
@Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا
instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

حکمتیست را چاپ و توزیع کنید

مردم در شوراهای مردمی و مستقل خود متکلم شوید!